

مقاله پژوهشی:

نقدی بنیادین بر جایگاه بانک تجاری در نظام مالی اسلام

ahmadrifa@yahoo.com

h-samsami@sbu.ac.ir

ک احمد رضا صفا/ دکتری علوم اقتصادی دانشگاه عدالت

حسین صمصامی/ استادیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳

چکیده

اندیشمندان مسلمان بی توجه به ماهیت بانک تجاری، با حفظ ساختار و تغییرات روبنایی به منظور حذف ربا، سازوکار عملیات بانکی بدون ربا بر پایه عقود را طراحی کرده‌اند. این نوع بانکداری در عمل، به سبب ساختارها و ابزارهای ناهمگون با ماهیت بانک، به مثابه یکی از اجزای نظام سرمایه‌داری، با مشکلاتی همچون اجرای صوری قراردادها و عدم کارایی مواجه شده است. سؤال اساسی این است که چرا ساختار بانک با وجود جایگزینی عقود شرعی نتوانسته است به صورت شرعی عمل نماید؟ برای پاسخ، باید در چارچوب نظام مالی اسلامی، در سه مرحله آسیب‌شناسی، ترسیم طرح مطلوب، و راهبرد حرکت از وضع موجود به مطلوب، تحقیقی صورت پذیرد. این مقاله ضمن آسیب‌شناسی نهاد بانک تجاری با تحلیل ماهیت و ارکان آن، نشان می‌دهد این نهاد مالی یک پدیده مستحدث به‌شمار می‌آید که با مبانی و اهداف نظام مالی اسلام تطابق ندارد. با توجه به آنچه گفته شد و بی‌توجهی اقتصاددانان در حوزه مالی اسلامی به مفاهیم فلسفی نظام مالی اسلام و ماهیت بانک تجاری، این نهاد بستر مناسبی برای اجرای عقود اسلامی نیست و هر راهکاری با حفظ این ساختار نمی‌تواند موفق شود. الگوهای ارائه‌شده نیز دارای ایرادهای روشی در اهداف و راهبردی است.

کلیدواژه‌ها: بانک تجاری، نظام مالی اسلام، ربا، بانکداری بدون ربا، بانک، عقود اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: E50، G21.

«بانک تجاری» یکی از نهادهای نظام اقتصادی لیبرال است که کارکرد اصلی آن کسب سود در قالب بهره و خلق پول از طریق واسطه‌گری مالی در بازار پول در قالب وام و قرض ربوی است.

در مواجهه با اشکالات بانکداری تجاری، رویه غالب تحقیقات در این حوزه، به جای توجه به ماهیت آن، به تغییرات روبنایی و انطباق یا تغییر عملیات آن با شرع، حذف شبهات ربا و حل محدودیت‌های شرعی معاملات بانکی به مثابه یک بنگاه اقتصادی معطف گردیده و اصل وجود آن یک ضرورت اقتصادی تلقی شده است. در اصل، بانکداری اسلامی نوعی الگوی خاص و تعدیل شده از بانکداری متعارف قلمداد گردیده و دلیلی بر کنار گذاشتن آن و طراحی نظام‌های اسلامی بومی جایگزین نبوده است (موسویان و میسمی، ۱۳۹۴، ص ۳۱). البته در مقابل، برخی اندیشمندان بانک را زاییده ربا دانسته، تفکیک بانکداری از ربا را محال می‌دانند (مصری، ۱۹۹۸).

با این حال، این دو دیدگاه متقابل تنها به مشکل ربا در بانکداری تمرکز نموده‌اند و به اصل ماهیت، مبانی و اهداف آن توجهی ندارند.

در عمل نیز با توجه به اشکال شرعی ربا در عملیات بانکداری تجاری، برخی بر آن شدند تا با تلاش در حفظ همان ماهیت، ربا را از این نهاد مالی حذف نمایند. از این رو، الگوهای «بانکداری بدون ربا» شکل گرفت (رک: صدر، ۱۴۰۱ق؛ صدیقی، ۱۹۸۵). این روش به علت ظاهر موجه شرعی در حذف ربا، مقبول جوامع اسلامی در سراسر دنیا قرار گرفت. با این وجود، طی کمتر از نیم قرن مشاهده شد که نه تنها بانکداری بدون ربا کارایی اقتصادی ندارد، بلکه با شبهات و چالش‌های فقهی و شرعی مواجه بوده، به گونه‌ای که حتی متخصصان اقتصاد اسلامی را به واکنش در مقابل این نهاد مالی واداشته است.

حال سؤال اساسی این است چرا بانکداری بدون ربا با وجود جایگزینی عقود شرعی، نتوانسته است به صورت شرعی عمل نماید؟ و آیا ماهیت بانک تجاری به مثابه یک نهاد پولی در اقتصاد متعارف، قابلیت اسلامی‌سازی دارد؟ پاسخ به این سؤال مستلزم بررسی سه مرحله اساسی است:

- الف. آسیب‌شناسی بانک تجاری موجود؛
- ب. طراحی الگوی مطلوب؛
- ج. راهبردهای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب.

به عبارت دیگر، باید در چارچوب نظام مالی اسلام، در سه مرحله آسیب‌شناسی، ترسیم طرح مطلوب، و راهبرد حرکت از وضع موجود به مطلوب، پژوهش‌های عمیقی در حوزه مالی اسلامی صورت پذیرد. بدین روی، بدون آسیب‌شناسی دقیق از وضع موجود نظام بانکی بدون ربا و روش جایگزین عقود برای حذف ربا، ترسیم وضع مطلوب و ارائه راهبرد میسر نیست.

این پژوهش در مرحله اول، سعی در آسیب‌شناسی نظام بانکی بدون ربا بر پایه جایگزینی عقود دارد و فرضیه اصلی آن، این است که بانکداری تجاری بستر مناسبی برای اجرای عقود اسلامی نیست.

پیشینه تحقیق

هرچند کتاب‌ها و مقالات متعددی در عرصه بانکداری اسلامی نگاشته شده، اما مهم‌ترین تحقیقات در رابطه با جایگاه بانک در نظام اقتصادی اسلام در ذیل می‌آید:

کتاب *به سوی بانکداری بدون بهره* (احمد، ۱۹۹۲)، ادعای از بین رفتن بهره تحت عنوان «بانکداری بدون ربا» را غیرواقعی می‌داند و آن را تنها حيله‌ای غیرشرعی و ناکارآمد می‌شمارد. واقعیت غم‌انگیز این است که با وجود اعتراف همه بر حرمت و ممنوعیت بهره، حتی یک کشور اسلامی وجود ندارد که نهادهای مالی خود را بدون بهره اجرا کند.

مقاله «البنک الاسلامی أتاخر هو ام وسيط المالی؟» (القری، ۱۹۹۸)، به تشریح ماهیت بانک و جایگاه آن در نظام اقتصاد اسلامی می‌پردازد. نویسنده معتقد است: بانک تجاری تاجر نیست. از این رو، ماهیت آن با نهادی که با عقود شرعی به خرید و فروش و یا مشارکت در نقش تاجر یا شریک می‌پردازد، یعنی همان بانکداری بدون ربا، متفاوت است. مقاله «ماهیه المصرف الاسلامی» (مصری، ۱۹۹۸)، پس از تشریح عملیات بانکداری ربوی و سپس بدون ربا معتقد است: بانک براساس قرض ربوی پول و نه کالا شکل گرفته و ماهیت آن در ارتباط با جواز بهره است. از این رو، بانک زایدبده ریاست و تفکیک ربا از آن، حتی با عقود اسلامی امکان ندارد.

کتاب *به سوی حذف ربا؛ از نظریه تا عمل* (داودی و صمصامی، ۱۳۸۹ الف)، معتقد است: سازوکار بانکداری بدون ربا در عمل، موفق ظاهر نگردیده و این ریشه در ماهیت عمل دارد و احتیاج به تغییرات ساختاری و نهادی است. از این رو، طرح تحولی را براساس تفکیک بانک‌ها براساس حوزه فعالیت به سه دسته «نهاد قرض الحسنه»، «شرکت‌های واسپاری» و «شرکت‌های سرمایه‌گذاری» ارائه می‌دهند.

مقاله «ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی» (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵)، معتقد است: بانک تجاری نهاد خلق پول در اقتصاد بوده و تقلیل آن به یک نهاد واسطه مالی صحیح نیست، و ضروری است علاوه بر تغییر تلقی مسلمانان نسبت به بانک، ماهیت بانک مبنای مطالعات در اقتصاد اسلامی قرار گیرد.

مقاله «مشکلات بانکداری اسلامی در ایران با نگاهی به تجربه مالزی» (زنوزی و جلیلی، ۱۳۹۵)، نشان می‌دهد که نظام بانکداری بدون ربا در ایران دارای مشکلاتی است و آن گونه که انتظار می‌رفته، نتوانسته است ربا را از معاملات خود حذف کند و نشان می‌دهند که مشکلات مزبور در بانکداری بدون ربای مالزی هم وجود دارد. نوآوری این مقاله تبیین ماهیت بانک تجاری و اثبات تباین آن با نظام مالی اسلام و پیشنهاداتی به منظور اصلاح است.

ماهیت بانک تجاری

در نظام مالی متعارف، واژه «بانک» به سه گروه عمده اطلاق می‌شود:

الف) «بانک تجاری» (Commercial bank): بانکی است که به بنگاه‌های اقتصادی در جهت فعالیت‌های تجاری خدمات پولی ارائه می‌دهد. این خدمات در قالب قرض ربوی و خلق پول در شیوه (سیستم) «ذخیره جزئی»

است. خاستگاه اصلی این نوع بانک‌ها کشورهای انگلستان و آمریکا است. البته در کنار ایفای نقش اصلی در بازار پول، به خدماتی از قبیل جذب سپرده و بازگشایی حساب، تسهیلات، خط اعتباری، ضمانت‌نامه بانکی، صندوق امانات، پرداخت‌های بین‌المللی و خدمات ارزی خارجی نیز می‌پردازد.

ب) «بانک سرمایه‌گذاری» (Investment bank): این بانک در ایران «شرکت تأمین سرمایه» نامیده می‌شود. این نوع بانک گرچه کلمه «بانک» را یدک می‌کشد، اما بانک نیست و یک مؤسسه مالی است که به افراد، شرکت‌ها، و دولت‌ها کمک می‌کند تا از راه تعهد پذیرهنویسی یا نمایندگی کارفرما در انتشار اوراق بهادار، به گردآوری سرمایه اقدام کنند. شرکت «تأمین سرمایه» می‌تواند خدمات مالی متنوع دیگری به افراد و بنگاه‌ها ارائه دهد؛ از جمله مشاوره در زمینه ادغام و تملیک، بازارگردانی، و انتشار ابزارهای مالی با درآمد ثابت (موريسن و ویلهلم، ۲۰۰۷).

طبق بند ۱۸ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران «شرکت تأمین سرمایه» (بانک سرمایه‌گذاری) شرکتی است واسطه بین ناشر اوراق بهادار و عامه سرمایه‌گذاران، و می‌تواند فعالیت‌های کارگزاری، معامله‌گری، بازارگردانی، مشاوره، سبذگردانی، پذیرهنویسی، تعهد پذیرهنویسی و فعالیت‌های مشابه را با اخذ مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار انجام دهد (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴).

از این رو، بانک سرمایه‌گذاری نه تنها ماهیت بانکی ندارد، بلکه از جهت فرایند کاری، زمینه فعالیت، خدمات قابل ارائه و نهاد ناظر، با بانک تجاری متفاوت است. در جدول ذیل، به اجمال تمایز این نهاد مالی با بانک تجاری بررسی شده است:

جدول ۱: مقایسه بانک تجاری با سرمایه‌گذاری

تمایزات	بانک تجاری	بانک سرمایه‌گذاری
نهاد ناظر	بانک مرکزی	سازمان بورس
حوزه فعالیت	بازار پول	بازار سرمایه، کالا، ارز، خرید، ادغام و مانند آن
فرایند کاری	دریافت سپرده و اعطای وام با بهره ارتباط مستمر با بانک مرکزی کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک جذب نقدینگی و تجهیز منابع و تخصیص آن	مدیریت دارایی، مشاوره و خدمات پذیرهنویسی به‌کار انداختن سرمایه برای تأمین منابع مالی با روش‌های گوناگون ایجاد ارزش افزوده روی سرمایه
اهم خدمات	جذب منابع از طریق وام کوتاه‌مدت پول وام‌دهی کوتاه‌مدت به شرکت‌ها و افراد وصول چک و قبوض و تسهیل مبادلات پولی صدور کارت اعتباری، ATM، کارت‌های بدهی، ضمانت‌نامه‌ها و مانند آن بانکداری الکترونیکی	تسهیل در تأمین مالی شرکت‌ها تشکیل سرمایه و واگذاری به بخش خصوصی تعیین ارزش خدمات کارگزاری و معامله‌گری و ارائه خدمات و تحقیقات در زمینه مدیریت دارایی پذیرهنویسی، توزیع و بازارسازی اوراق بهادار جدید مشاوره مالی و مدیریت ریسک

ج) «بانک جامع» (Universal banking): مؤسسه‌ای مالی است که همانند فروشگاه بزرگ، خدمات گسترده مالی (اعم از مشارکتی، نگاهداری دارایی، خرید و فروش سهام، عضویت در هیأت مدیره‌های شرکت‌های متقاضی وام و مانند آن) ارائه می‌دهد و بنابراین بخش قابل توجهی از فعالیت‌های بانک سرمایه‌گذاری را دارد.

هرچند واژه «بانک» در اقتصاد بر بانک مرکزی و برخی دیگر از نهادهای بازار سرمایه نیز اطلاق شده است، اما مقصود این مقاله بانک تجاری با تمام انواع آن به‌مثابه یکی از انواع واسطه‌های مالی در اقتصاد است. در اقتصاد متعارف، بازار مالی به دو بخش بازار «سرمایه» و «پول» تقسیم می‌گردد (استفان، ۲۰۰۸، ص ۳۱۵). واژه «بانکداری» به‌مثابه یک عملیات اقتصادی با وام و سودآوری (بهره) - از این طریق - عجین است و جداسازی آن از قرض و بهره غیرممکن است. در این ساختار، بانک رکن اصلی بازار پول یا بازار تعهدات کوتاه مدت در مقابل بازار سرمایه شناخته می‌شود (مارتین، ۱۸۵۵، ص ۴۳۱).

بانک تجاری به‌مثابه یکی از اجزای نظام مالی جدید، یک پدیده مستحدث در قرون اخیر است. آغاز بانکداری تجاری مصادف با سپری شدن دوره پول کاغذی، خلق پول بانکی و سپرده‌های دیداری است (ساموئلسون، ۱۹۷۳، ص ۲۷۴). مکللی و دیگران (مکللی، رادیا و تامسون، ۲۰۱۴) بیان می‌دارند که تصور عموم و حتی برخی از اقتصاددانان از فرایند خلق پول و عوامل محدودکننده آن اشتباه است. یکی از این اشتباهات آن است که معمولاً بانک‌ها را نهادهای واسطه‌ای می‌دانند که وجوهی را که پس‌اندازکنندگان سپرده‌گذاری کرده‌اند، وام می‌دهند. در این نگاه سپرده‌ها از طریق تصمیمات خانوارها ایجاد می‌شود و بانک‌ها نیز این سپرده‌ها را به قرض‌گیرندگان وام می‌دهند. مهم‌ترین خصوصیت بانک تجاری خلق پول در نظام «ذخیره جزئی» است و همین عامل جداکننده بانک از هر نوع واسطه پولی و مالی از قدیم است. از این رو، بانک تجاری بدون خلق پول در نظام جزئی معنایی ندارد (رودبارد، ۲۰۰۸، ص ۷۶).

بازار پول یا حوزه فعالیت بانک تجاری نیز بخشی از نظام مالی است که در آن ابزارهای مالی با نقدینگی بالا و سررسید بسیار کوتاه معامله می‌شود و در زمینه وام‌دهی و وام‌گیری کوتاه‌مدت و معامله بر اسناد قابل انتقال فعالیت می‌کند. در مقابل، بازار سرمایه بازاری است که نیازهای واحدهای تولیدی و تجاری و مقامات دولتی را در زمینه وام‌های بلندمدت و میان‌مدت برآورده می‌کند. مجموع این دو بازار در مقابل بازار کالا و خدمات و نیروی کار است. منطقی است همان‌گونه که بازار مصرف را از بازارهای مالی (بازار پول و سرمایه) متمایز می‌دانیم، بین بازار پول یا حوزه فعالیت بانک تجاری و بازار سرمایه نیز تمایز قایل شویم (داودی و صمصامی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵).

البته هرچند خلق پول و ربا در ماهیت متفاوتند، اما تفکیک خلق پول بانکی و ربا در بانک‌های تجاری امکان ندارد؛ زیرا بانک مؤسسه‌ای انتفاعی بر مبنای بهره و کسب حاشیه سود بوده و جذب منابع و تخصیص آن مبتنی بر بهره و ریاست. بنابراین جداکردن خلق پول از ربا با توجه به اهداف انتفاعی بانک تجاری امکان‌پذیر نیست.

تحلیل ارکان بانک تجاری

صرف نظر از فعالیت‌های جانبی بانک‌ها، از قبیل امانت، وصایت، صدور ضمانت‌نامه، دریافت و پرداخت قبوض و سایر فعالیت‌های بانکی، وظیفه اصلی بانک، واسطه‌گری وجوه به همراه خلق پول و کسب سود از بازار پول است. در اقتصاد متعارف، بازار مکانی است که در آن فروشندگان و خریداران یکدیگر را می‌بینند و مبادله انجام می‌دهند (فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۱۲۹۱). بازار پول بستر تعهدات مالی کوتاه‌مدت در قالب سپرده و وام و پول و اوراق قرضه، یعنی رویارویی وام‌دهندگان و متقاضیان پول با بهره است. در این بازار، بانک به‌عنوان واسطه مالی با تعهد بهره، سپرده‌های مردم را جمع‌آوری می‌نماید و با تخصیص آن در قالب وام به متقاضیان، بهره دریافت می‌کند. مابه‌التفاوت این دو نرخ بهره، درآمد بانک تجاری (bank spread) است.

در تحلیل بازار پول باید گفت:

۱. هدف شکل‌گیری این بازار داد و ستد پول است.

۲. مقصود از داد و ستد پول در این بازار، همان وام یا عقد قرض است. عقد قرض (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق، ص ۴-۶)، به سبب قابلیت‌هایی همچون مالکیت قرض‌گیرنده، انتقال کامل ریسک و ضمانت‌مثل، بهترین عقدی است که می‌تواند نقش واسطه‌گری مالی را ایفا کند. نظام بانکی از این قابلیت‌ها به نفع خود در بازار پول، بهره‌برداری می‌کند. این امر با ماهیت غیرانتفاعی عقد قرض در تضاد است.

۳. به علت انتفاعی بودن نوع بازارها، تصور بازار پول بدون بهره ممکن نیست. این بازار جایگاه عرضه و تقاضای پول با نرخ بهره بازاری و ربای قرضی ممنوع است. حتی در عمل، بانک‌های قرض‌الحسنه نیز در بازار پول به سمت ربا سوق داده می‌شود. در حال حاضر فعالیت این بانک قرض‌الحسنه مبتنی بر دو کار است:

۱) شرط گردش حساب‌های قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز یا داشتن میانگین موجودی توافقی قبل از دریافت وام که همان قرض به شرط قرض و ربای حکمی است.

۲) شرط دریافت کارمزد درصدی وام که مبتنی بر مدت و مبلغ وام است، نه خدمات واقعی که بر مبنای درصدی از مانده بدهی سالانه وام محاسبه می‌شود. در عمل، وام‌گیرنده در طول سال‌های بازپرداخت اقساط وام، کارمزد چندین برابر مبلغ دریافتی را به بانک پرداخت می‌کند.

دیدگاه‌ها در مواجهه با نظام بانکداری تجاری

در مواجهه با بانک، دیدگاه‌های متناقضی پدید آمد که در چهار دسته جای می‌گیرد:

۱. عدم تفکیک ربا از بانکداری و غیرقابل اصلاح دانستن آن

این گروه معتقدند: بانک تجاری براساس قرض ربوی پول - و نه کالا - شکل گرفته و ماهیت آن در ارتباط با جواز بهره است. از این رو، بانک زاییده رباست و تفکیک ربا از آن امکان ندارد (مصری، ۱۹۹۸). حتی وقتی بانکی با عقود شرعی به خرید و فروش و یا مشارکت بپردازد، در نقش فروشنده و تاجر کالا است، درحالی‌که بانک تاجر نیست

(القری، ۱۹۹۸) و این امر بانک اسلامی را از ماهیت و حوزه فعالیت بانکی (واسطه مالی در بازار پول) دور می‌کند. به عبارت دیگر، بانکداری رایج در کشورهای مسلمان براساس یک نظریه واضح و پیشرفته پایه‌ریزی نشده و از این رو، براساس تجربه و عمل قدم به قدم تقلیدی، به بانک تجاری نزدیک شده است.

۲. قبول بانکداری سنتی

این دیدگاه با رویکرد قبول بانکداری سنتی با عنوان‌هایی غیر از قرض، از نظر تجهیز منابع، از قبیل امانت همراه با اذن تصرف، ودیعه (معرفت، ۱۳۷۶)، ودیعه ناقص (علیشاهی قلعه‌جویی و لطیفی، ۱۳۹۲) یا یک پدیده مستحدث، و از ناحیه تسهیلات با عناوینی همچون «مضاربه ناقص»، «مشارکت ناقص» (همان) و یا «قرارداد جدید» (موسویان، ۱۳۹۱)، آن را عاری از هرگونه مشکل شرعی، به‌ویژه ربا بر پایه دلایلی همچون اصل «صحت قراردادهای عقلایی» و اصل «آزادی انسان در انعقاد قرارداد» می‌داند. به نظر این گروه نظام بانکی سنتی را می‌توان بدون تعبیر بنیادی در جوامع اسلامی پیاده نمود.

۳. جواز بهره و تفکیک عملیات بانکداری تجاری از ربا

این گروه بین بهره و ربا تفاوت ماهوی قائل شده و توجیهاات اینچنینی دارند: اختصاص ربا به زیاده برای تمدید مدت (رشیدرضا، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱۶؛ هومو، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۷)، اختصاص ربا به زیاده فاحش (بدوی، ۱۳۸۳ق؛ کاشانی، ۱۳۷۶، ص ۹۵)، اختصاص ربا به زیاده در قرض استهلاکی (مصرفی) (صانعی، ۱۳۸۳، ص ۱۱)، تفاوت ماهوی ربا و بهره (غنی‌نژاد، ۱۳۷۵، ص ۲۷۵)، اختصاص ربا به بهره غیربانکی، اختصاص ربا به بهره بانک‌های خصوصی (معرفت، ۱۳۷۹)، و ربا؛ ضرورت اقتصادی عصر حاضر (ابوزهره، ۲۰۰۸، ص ۶۱).

۴. رفع ربا با جایگزینی عقدهای شرعی

مبانی نظری این دیدگاه ریشه در اندیشه‌های اولیه شهید صدر و صدیقی دارد که در عین حفظ ساختار بانک، ماهیت عملیات بانکی را با عقود شرعی تصحیح کنند. هرچند نسخه شهید صدر در کتاب *البنک الاسلامی ربوی* (صدر، ۱۴۰۱ق) با پیشنهاد دکتر محمد نجات‌الله صدیقی (صدیقی، ۱۹۸۵) متفاوت است، ولی در عمل، نظام بانکداری بدون ربا را شکل داد. تمرکز این دیدگاه استفاده از معاملات جایگزین قرض ربوی به منظور تصحیح نظام بانکی متعارف است. البته با توجه به تفاوت در فقه شیعه و عامه نسخه‌های گوناگونی برای آن پیچیده شد.

طی چهار دهه، بانکداری بدون ربا رشد سریعی از نظر اندازه و تعداد بازیگران داشته است. «بانکداری بدون ربا» قریب ۱،۷۶۰ یا ۲،۵۲۴ میلیارد دلار دارایی‌های مالی اسلامی را تا پایان سال ۲۰۱۸ به خود اختصاص داده است. همچنین طی ۵ سال اخیر، نرخ رشد سالانه‌ای قریب ۱۵ تا ۲۰ درصد را تجربه نموده است. در حال حاضر ایران با سهم بیش از ۴۲ درصد، بزرگ‌ترین بازار بانکداری بدون ربا را در اختیار دارد (بالجیت، ۲۰۱۸، ص ۱۷).

مطالعات انجام شده در ایران و برخی از کشورهای اسلامی دنیا در خصوص میزان موفقیت بانکداری بدون ربا در عمل چندان رضایت بخش نیست. در برخی از این مطالعات ذکر شده که از لحاظ نظری، ویژگی منحصر به فردی که بانکداری بدون ربا را از بانکداری مرسوم متمایز ساخته، الگوی ریسک پذیری و مشارکت در سود و زیان (PLS) است. این مطالعات نشان می دهد بانکداری بدون ربا به میزان قابل توجهی از آن منحرف شده و منحصر در الگوگیری از بانکداری مرسوم برای رقابت با آن گردیده و در عمل چندان تفاوتی با بانکداری متعارف ندارد. در عمل، سپرده های اسلامی تنها ظاهری بدون بهره داشته و نرخ سرمایه گذاری در آن به میزان زیادی به نرخ های سپرده بانک های ربوی مرتبط است (بنگ و جانگ، ۲۰۰۹).

قانون «بانکداری بدون ربا»ی ایران بر پایه نظریه شهید صدر، در ۵ فصل و ۲۷ ماده در سال ۱۳۶۳ برای اجرا ابلاغ گردید. ماده ۱ فصل اول اهداف نظام بانکی را استقرار نظام بانکی بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور، حفظ ارزش پول، گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه، بسیج و تجهیز منابع برای ایجاد شرایط و امکانات کار و سرمایه گذاری و مانند آن می داند. این قانون از لحاظ نظری برای پرهیز از شبهه ربا، از بازار پولی فاصله گرفته است و تأمین مالی براساس عقود نیابتی طرح ریزی شده و بانک وکیل در سپرده های سرمایه گذاری و مالک در حساب های جاری و پس انداز است. تخصیص منابع نیز بر پایه دارایی حقیقی طراحی شده و پشتوانه تمام معامله ها منابع سرمایه ای و موجودی کالا است؛ یعنی بانک وجوه مورد نیاز را در اختیار تقاضاکنندگان وجوه براساس عقود همچون «قرض با کارمزد»، «مضاربه»، «مشارکت (مدنی و حقوقی)»، «مزارعه»، «مساقات»، «بیع (فروش اقساطی، سلف، مرابحه و خرید دین)»، «اجاره به شرط تملیک»، «جعاله» و «استصناع» می گذارد. تأکید بر مشارکت در فعالیت های مولد اقتصادی بلندمدت و تفکیک حوزه فعالیت بانک (بانک های تخصصی) از دیگر موارد مندرج در این قانون است. البته مسائلی همچون جریمه تأخیر، بازار بین بانکی، نحوه ارتباط با بانک های خارجی و مانند آن جزو خلأهای قانون «بانکداری بدون ربا» شمرده می شود. با این وجود، این قانون در عمل موفق نبوده است؛ زیرا طراحان بانکداری بدون ربا به علت بی توجهی به ماهیت بانک و تمایز بین دو بخش بازار مالی، یعنی بازار پول و سرمایه و تنها با تأکید بر حذف ربا، فعالیت واسطه ای بانک تجاری را به یک تاجر یا شریک تبدیل ساخته اند. در حقیقت نظام بانکی جدید که از ادغام ۳۶ بانک ربوی ایجاد شده، مناسب برای اجرای معاملات مصرح در قانون نبوده و در اجرا، شکل ربوی به خود گرفته است (ر.ک: داودی و صمصامی، ۱۳۸۹ الف).

نظام بانکی بدون ربا در ایران، در عمل، با دور شدن از بازار واقعی با مشکلاتی همچون صوری شدن معاملات، افزایش معوقات، رشد نقدینگی بیش از رشد تولید و بخش واقعی اقتصاد، عدم پرداخت سود عادلانه به سپرده گذاران، الزام شرایط ناعادلانه در قالب صلح، جریمه اضافه برداشت بانک ها، بازار بین بانکی و حاشیه سود بالا در دوران رکود برای بانک مواجه شده است که این همه حکایت از عدم اجرای درست عقود اسلامی دارد (ر.ک: موسویان و میسمی، ۱۳۹۴، ص ۶۳۵-۶۱۷).

این حقایق نشان می‌دهد نظام بانکی در ایران نه تنها در چارچوب اهداف و قانون بانکداری بدون ربا حرکت نکرده، بلکه از استانداردهای یک بانک تجاری در نظام سرمایه‌داری نیز بی‌بهره است. با وجود آسیب‌ها و چالش‌های اقتصادی و شرعی و ماهیت بانک تجاری، سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که آیا گونه‌ای از واسطه‌گری مالی وجود دارد که علاوه بر آنکه اهداف اقتصاد اسلامی را محقق سازد و با قواعد و احکام شرعی هماهنگ باشد و از لحاظ ماهیت و عملکرد، متفاوت از تأمین مالی ربوی باشد، واسطه‌گری مالی را نیز محقق گرداند؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید نظام مالی اسلام تبیین گردد:

نظام مالی اسلامی

نظام مالی اسلامی به مثابه یکی از زیرنظام‌های اقتصادی، مجموعه‌ای از اجزاء، روابط و اهدافی است که براساس مبانی اسلامی، سازوکار تأمین و تخصیص منابع مالی را به صورت بهینه ارائه می‌دهد. این اجزا باید اولاً، اسلامی باشد. ثانیاً، با یکدیگر سازگار باشند و همدیگر را نفی نکنند؛ یعنی با تحقق اجزا و روابط مورد بحث هدف تعیین شده قابل دستیابی باشد. ثالثاً، امکان تجزیه و تحلیل پدیده‌ها و رفتارهای متعارف اقتصادی و دآوری درباره واقعیت‌ها و عینیت‌های اقتصادی را فراهم سازند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصاددانان در حوزه مالی، گذر از برخی مفاهیم فلسفی، همچون روش‌شناسی و اهداف نظام مالی است. این بی‌توجهی در بسیاری از موارد منجر به ایجاد تناقض و اختلال و ناکارآمدی در اقتصاد مالی می‌گردد (رک: فرانکفورت و مک‌گون، ۱۳۹۱، ص ۲۶). چون هر نظام مالی مبانی فلسفی و اهداف مخصوص به خود را دارد که بدون شناخت آن امکان طراحی نظام نیست، بنابراین شناخت و طراحی نظام مالی اسلامی زمانی امکان دارد که اولاً، مبانی نظام مشخص شود و ثانیاً، اهداف براساس آن مبانی تدوین گردد.

۱. مبانی نظام مالی اسلامی

هرچند استفاده از نتایج صحیح تمدن‌های دیگر اشکالی ندارد، ولی آیا نظام پولی و بانکی سرمایه‌داری که به تدریج توسط کشورهای مسلمان در بیش از دو قرن گذشته مورد استفاده قرار گرفته است، می‌تواند بدون هیچ تغییر ماهوی در خدمت اهداف اسلام به جای سرمایه‌داری قرار گیرد؟ پاسخ تنها در صورتی می‌تواند مثبت باشد که اهداف سرمایه‌داری و اسلام همانند بوده یا مؤسسات مالی سرمایه‌داری از حیث نظری خنثا باشند و یا تحقق نظام مالی ربطی به تحقق اهداف آن نداشته باشد.

بانک تجاری یک نهاد مالی در اقتصاد آزاد است و براساس مبانی و اهداف خاص آن شکل گرفته است. شهید صدر با عنوان «اصول کلی بانک در جامعه اسلامی» این واقعیت را چنین بیان می‌کند:

هنگامی که به بررسی فعالیت نخست و اصلی بانک (فعالیتی که در قالب قرض گرفتن در ازای بهره، از طریق سپرده‌های دریافتی و سپس قرض دادن به بهره‌ای بیشتر) می‌پردازیم، بی‌می‌بریم که در

این فعالیت دو جنبه به هم پیوسته وجود دارد: یکی عینی است که با اهداف رشد اقتصادی مرتبط است؛ یعنی با استخدام سرمایه به معنای عینی و علمی آن مرتبط است. دیگری [جنبه] مکتبی است که با چارچوب سرمایه‌داری، از آن حیث که مبنای مکتبی اقتصاد در جوامع سرمایه‌داری است، ارتباط می‌یابد. به عبارت دیگر، این جنبه مهم با استخدام سرمایه به معنای مکتبی‌اش مرتبط می‌گردد (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۲۱۷-۲۱۸).

وی در ادامه اشاره می‌کند: ... بانک سرمایه‌داری با اصول اقتصاد اسلامی و روح عمومی آن در توزیع و بهره‌برداری از ثروت تناقض دارد (همان، ص ۲۱۹).

از این رو، بدون شناخت مبانی نظام مالی اسلامی، شناخت تفاوت مشکل به نظر می‌رسد. برخی از مبانی نظام مالی اسلام عبارت است:

– **اصل حفاظت از دین:** مسئولیت تأمین مالی، تبلیغ و ترویج دین و تأمین مالی اهداف عالی دین از قبیل پیشرفت، استقلال، امنیت و عزت بر عهده نظام مالی اسلام است. بر این اساس، وظایف مالی در جامعه به پرداخت خمس و زکات خلاصه نمی‌شود، بلکه افزون بر وظایف اجتماعی، بار مالی ناشی از حفاظت از کیان اسلام، جهاد با مال، امر به معروف و نهی از منکر بر عهده نظام مالی اسلام است (رجایی، ۱۳۹۱).

– **اصل اولویت نظام تعلیم و تربیت:** قرآن تعلیم و تربیت (تزکیه) را از هدف اصلی بعثت پیامبر می‌داند (آل عمران: ۱۶۴). برخلاف نظام سرمایه‌داری، نظام مالی اسلام در خدمت نظام تعلیم و تربیت اسلام است. از این رو، در موارد تعارض، نظام تعلیم و تربیت مقدم است (ر.ک: رفیعی آتانی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹۱).

– **اصل حفظ ارزش‌های اخلاقی لازم برای یک زندگی اجتماعی امن:** ارزش‌های اخلاقی در این کاربرد به معنای تمام اموری است که مطلوبیت اخلاقی دارد، چه افعال باشد و چه غیرفعال. در اینجا «ارزش اخلاقی» به معنای عام مدنظر است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵). در نظام اخلاقی اسلام ارزشمندی عمل منوط به دو چیز است: خوبی خود عمل (حسن فعلی) و خوبی انگیزه‌های که منشأ صدور آن عمل شده است (حسن فاعلی). نظام مالی اسلامی بر اساس ارزش‌های اخلاقی طرح‌ریزی می‌شود و در فعالیت‌های غیراخلاقی و غیرمفیدی که در چارچوب قوام اقتصادی و مصالح حقیقی جامعه نیست، سرمایه‌گذاری و مشارکت نمی‌کند. افزون بر آن، نظام مالی اسلام زمینه‌ساز فعالیت‌های اخلاقی و خیرخواهانه نیز باید باشد و از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های غیراخلاقی و غیرمفید برای جامعه جلوگیری کند.

– **اصل تقدم حقوق و مصالح اجتماع بر فرد:** هر چند در نظام اقتصادی اسلام حاکمیت مصالح فرد و جامعه هر دو مشروع است، ولی مصالح فرد در نظام مالی اسلام نباید با موازین و مقررات و مصالح اجتماعی منافات داشته باشد. در صورت تقابل، مصلحت اجتماع بر فرد مقدم می‌گردد (ر.ک: یوسفی، ۱۳۸۷).

– **اصل رعایت حدود شرعی در کسب سود در نظام مالی:** این اصول را می‌توان به دو دسته سلبی و ایجابی تقسیم نمود. قوانین سلبی، مثل ممنوعیت ربا، غرر، ضرر، غبن، اکل مال به باطل، قمار، و قوانین ایجابی، مانند

آزادی انتخاب قراردادهای اصل «صحت و لزوم قراردادها در نظام مالی»، جامعیت قراردادهای اسلامی و مانند آن است (ر.ک: موسویان، ۱۳۷۸) مجموعه این امور، حقوق مالی اقتصادی را تشکیل می‌دهد. هدف این حقوق استقرار انضباط و عدالت مالی بوده و نظارت و ضمانت اجرای آن بر عهده دولت اسلامی است.

– **ممنوعیت ربا و بهره:** سرمایه نقدی چنانچه در فرایند بهره‌برداری تضمین شده باشد، حق سهیم شدن در هرگونه سود حاصل از به‌کارگیری سرمایه یادشده را نخواهد داشت؛ زیرا ربا حرام است. صرف به تأخیر انداختن انتفاع از مال خویش از سوی سرمایه‌دار و محروم نمودن خویش از استفاده مستقیم از آن، بدون انجام کار، حقی را برای صاحب سرمایه نقدی توجیه نمی‌کند، بلکه تمام سود در این موارد از آن عامل است، اگرچه ممکن است وی (عامل) مالک عین کالا نباشد. تنها راهی که اسلام اجازه مشارکت سرمایه نقدی در سود را می‌دهد، آن است که صاحب آن، ریسک آن را پذیرفته باشد و به‌تنهایی و بدون (مشارکت) عامل، تمام پیامدهای منفی فعالیت تولیدی را بپذیرد (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۴۶).

همچنین جایز نیست که ذمه و عهده دیگری را نسبت به مالی از طریق قرض، بدون تحویل حقیقی آن مال، مشغول کرد؛ زیرا قبض شرط در عقد قرض است. از این رو، تمام اوراق مالی که زائیده فکر سرمایه‌داری اروپایی بوده و در آن فرصت طلایی رشد مال به‌صورت رشد سرمایه‌داری صرف، بدون انجام هرگونه کاری فراهم بود، باطل می‌گردد. این به آن علت بود که (سرمایه‌داری) پی برد این توان را دارد که تعهداتی با ارزش ده برابر بیش از آنچه از دارایی‌هایی حقیقی نزد وی بود، صادر کند و به‌واسطه آن، قرض‌هایی برای دیگران را معادل ارزش تعهد شده در آن اوراق پوشش دهد تا زمانی که می‌دانست در آن واحد، نسبت به التزاماتش مطالبه نمی‌گردد، و اینکه هر بستانکاری ترجیح می‌دهد به‌جای برداشت دارایی حقیقی از صندوق سرمایه‌دار یا بانک سرمایه‌داری، با همان اوراق مالی به داد و ستد بپردازد. بدین‌سان، ثروت سرمایه‌داری بدون کار، بر مبنای لغو نقش قبض در عقد قرض چندین برابر شد (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۴۷).

– **اصل آزادی نظام مالی حلال:** قاعده «سلطنت» یک قاعده فقهی مقبول اسلام است. این قاعده بیانگر آزادی مالکان در نظام مالی در فعالیت‌های مجاز اقتصادی حلال – مگر در مواردی که شرع اجازه تصرف داده – است. فهم این مطلب مترتب بر امور ذیل است:

۱. خداوند متعال تنها مال حلال را قسمت بندگان دانسته و حرام نتیجه عمل و دخالت‌های نامشروع انسان و توزیع‌های ناعادلانه است (نحل: ۱۱۸).

۲. تنها قسمت الهی صلاح و مایه بقای زندگی مادی و معنوی و مانع تنگدستی و طغیان انسان است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۱).

۳. حلال در منطبق قرآن، حد بین افراط و تفریط است (مائده: ۸۷). مال حلال انباشته نمی‌شود و مال فراوان در نزد هیچ کس، با مراعات اعتدال در کسب فراهم نمی‌آید (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۹ ص ۵۶).

۴. اسراف در مالکیت نیز وجود دارد (ر.ک: محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ص ۲۷۲).

– اصل شفافیت نظام مالی و نظارت همگانی: هر نفاق، انحراف از حق یا قیامی بر ضد عدل از نظام تکاثری و اترافی، بر محوریت مال و تکاثر برخاسته و به دنبال آن است که استیلائی خود را بر همه شئون اجتماع تحمیل کند. شفافیت نظام مالی موجب شده از ابتدا جلوی تکاثر در اموال گرفته شود. البته همراه با این شفافیت باید قدرت بازدارنده‌ای همچون نظارت همگانی از طریق امر به معروف و نهی از منکر همراه باشد.

– اصل ارتباط و تبعیت بازار و اسناد اعتباری از بازارهای حقیقی: اسلام با ربا، قمار، نجش، تطفیف و تدلیس مخالف است. علت این امر را می‌توان در جدا شدن قراردادهای بازارهای واقعی و انگیزه‌های حلال و در نتیجه صوری شدن دید. حتی از دیدگاه اسلام سفته‌بازی به مفهوم خرید و فروش دارایی به انگیزه سود از راه پیش‌بینی قیمت نیز تنها با دو شرط جایز است:

۱. باید در چارچوب احکام مربوط به خرید و فروش نقد، نسبه و سلف انجام شود. با این شرط، معامله‌های صوری و معاملاتی که دو طرف آن مدت دار است یا معامله‌هایی که در آن قیمت کالا معلوم نیست و مانند آن، خارج می‌شود.

۲. نباید سبب اضرار بر مسلمانان شود. در غیر این صورت، دولت اسلامی که حافظ مصالح مسلمانان است، باید با تمهیدهای قانونی و اجرایی از آن جلوگیری کند. با این شرط، سفته‌بازی همراه با اشاعه کذب و تبانی برای تغییر مصنوعی قیمت‌ها خارج می‌شود و تا وقتی سفته‌بازان قیمت‌پذیر هستند، سفته‌بازی جایز است؛ اما اگر بخواهند با اقدام‌هایی مانند اشاعه کذب و تبانی، قیمت‌ساز شوند و از این راه به سودی دست یابند، جایز نیست (داودی و عیسوی، ۱۳۸۹).

از این رو، در اقتصاد اسلامی مدیریت بازار پول بر اقتصاد با فروض کلاسیکی و نئوکلاسیکی آن مبتنی بر نرخ بهره و تبادل پول با پول پذیرفته نیست و تنها نظام اقتصادی اسلام با کار مفید اقتصادی و بازار واقعی معنا می‌یابد (ر.ک: صدر، ۱۴۱۷ق).

۲. اهداف نظام مالی اسلامی

برخی از این اهداف عبارت است از:

۱. عدالت اجتماعی – اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت: ضروری است طراحی نظام و سیاست‌های مالی اسلامی در جهت تحقق ارزش‌های اسلامی و مشارکت مؤثر به کاهش نابرابری بینجامد. این امر زمینه رشد مطلوب و برکت را در جامعه فراهم می‌کند (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۲۸۹؛ همو، ۱۴۲۹ق، ص ۳۷). از مشخصه‌های عدالت مالی اسلامی، دسترسی عادلانه اقشار گوناگون جامعه به خدمات و محصولات مالی برای محرومیت‌زدایی و توانمندسازی قشرهای ضعیف جامعه است.

۲. **رفاه و سعادت:** از نظر اسلام تمام منابع برای انسان است و بشر می‌تواند از آن در جهت رفاه و سعادت خود، به دور از اسراف، تبذیر و اتراف (اسراء: ۱۶) بهره‌مند شود.

۳. **همکاری دوجانبه و مسئولیت مشترک:** بنا به آیه ۲ سوره «مائده» نه تنها اقتصاد، بلکه نظام مالی آن نیز باید مبتنی بر مشارکت عادلانه و فعال همراه با مسئولیت‌پذیری در ریسک و خطر سرمایه‌گذاری باشد (عبیدالله، ۱۳۸۷، ص ۲۳-۲۹).

۴. **ثبات در ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها:** اسلام بر صداقت و انصاف در تمام معاملات بشر تصریح دارد. یکی از عوامل انحراف در ارزش پول، تورم است که مستمسک رباخواران و توجیه‌گر بی‌عدالتی آنها شده است (ر.ک: داودی و همکاران، ۱۳۸۷).

۵. **ایجاد پس‌انداز کافی و تحرک تولیدی خود در یک چارچوب سازگار با اهداف مزبور:** با حذف ربا و جایگزینی سود واقعی اقتصاد، نظام مالی باید قادر به ایجاد تقاضای مؤثر در جهت رونق تولید باشد. همچنین باید قدرت تأمین مقدار کافی پول در چارچوب غیرتورمی را داشته باشد.

۶. **ارائه مؤثر تمام خدماتی که معمولاً از نظام مالی انتظار می‌رود:** نظام مالی باید قادر به پاسخ‌گویی به همه نیازهای مالی مشتریان، اعم از خصوصی و دولتی و توسعه بازارهای مالی باشد (چپرا، ۱۹۸۲، ص ۱۰).

پیشنهاداتی برای اصلاح نظام بانکداری بدون ربا در ایران

مطالعات و پیشنهادات در خصوص اصلاح نظام بانکی در اقتصاد ایران بر دو دسته است:

الف) عدم پذیرش ماهیت بانک تجاری: اعتقاد این گروه بر آن است که بانک تجاری غیرقابل اصلاح است. براین اساس با مدنظر قرار دادن اهدافی مانند حذف کامل ربا، گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه و تأمین نیازهای ضروری مردم از این طریق و هدایت صحیح منابع مالی به سمت سرمایه‌گذاری و تولید، به طراحی الگوی تفکیک پرداختند. در این الگو بین دو حوزه فعالیت بخش پولی و واقعی تمایز قائل شده و سه الگوی «انتقال وجوه» (قرض‌الحسنه)، «لیزینگ» (شرکت‌های واسپاری) و «مشارکت» (شرکت‌های تأمین سرمایه) پیشنهاد می‌شود (ر.ک: داودی و صمصامی، ۱۳۸۹ الف).

البته مقصود از «قرض‌الحسنه» نهادی است که جذب و تخصیص منابع مالی آن براساس عقد قرض و فاقد خلق پول است که در مقابل خدمات مالی، کارمزد واقعی خدماتش را دریافت می‌کند. همان‌گونه که بیان شد، این نهاد مالی در کنار بانک‌های تجاری موجود، قابل پیاده‌سازی نیست.

ب) پذیرش ماهیت بانک تجاری: مطالعاتی است که در استمرار پیروی از الگوی «بانکداری بدون ربا»، ماهیت بانک را پذیرفته و اقدام به تغییر رونمایی جدید نموده‌اند. دو طرح عمده آن عبارت است از:

۱. **الگوی «بانکداری راستین» (PLS)** (ر.ک: رفیع‌خان، ۱۳۷۰؛ بیدآباد و صفایی‌پور، ۱۳۹۰): اصل این ایده متمرکز بر عقود بازسازی‌شده، همچون تأمین مالی مضاربه (MFS)، تأمین مالی جعاله (JFS)، تأمین مالی مقاسطه

(IFS)، تأمین مالی اجاره (RFS)، تأمین مالی امانی (BFS)، تأمین شخصی راستین (RPS)، تکافل اجتماعی راستین (RST)، اوراق مبادله راستین (RSB) بوده که برای تأمین نیازهای حقوقی، عملیات مشارکت بانکی، صندوق‌های مشاع سرمایه‌گذاری و تسهیل عملیات بیمه‌های اجباری و اختیاری، تأمین اجتماعی چند نهاد حقوقی جدید، صندوق با سرمایه متغیر، صندوق مستمری (صندوق تأمین و صندوق بازنشستگی) در بانکداری راستین تعریف شده است (چپرا، ۲۰۰۷).

۲. الگوی «تفکیک خدمات»: در این طرح براساس خدمات بانک‌ها و میزان ریسک‌پذیری مشتریان، بانک به چهار گروه بانک «قرض‌الحسنه»، «بانک‌های مبادله‌ای» (برای مشتریان ریسک‌گریز)، «بانک تخصصی و توسعه‌ای» (برای مشتریان ریسک‌پذیر) و «بانک جامع» تقسیم می‌شود (ر.ک: موسویان، ۱۳۸۹). در طراحی قانون جدید نیز به دنبال رفع نواقص عملیاتی قانون «بانکداری بدون ربا» و تسهیل روند اجرای آن و رفع خلأهای ابزاری و صوری شدن معاملات در نظام بانکی موجود بوده و پیشنهادهای همچون ارائه عقود جدید، مانند مرابحه و استصناع و هر عقد مشروع دیگر، ارائه روابط بازار بین بانکی، شفافیت حساب‌ها، حل مشکل جریمه تأخیر و بانک‌های داخلی در خارج و بانک‌های خارجی در داخل و مانند آن به قانونگذار داده شده است (موسویان و رجایی، ۱۳۹۴).
در مجموع، مشکل الگوهای دسته دوم عبارت است:

۱. بی‌توجهی به ماهیت بانک و ارکان آن؛ در این طرح‌ها به مسائل کلیدی، همچون بازار پول و تمایز آن از بازار سرمایه، ماهیت بانک و واسطه‌گری مالی بانک در بازار پول و تعهدات کوتاه‌مدت آن توجهی نشده است.
۲. تلاش در جهت تصحیح نظام ربوی بانک و عدم تلاش در طراحی نظامی اسلامی و بومی؛ بدین صورت که تنها به تصحیح و تسهیل امور برای نظام بانکی سابق و حل اشکال‌های قانونی و عملیاتی همچون رابطه بانک‌های خارجی در داخل و بانک‌های داخلی در خارج و تطبیق فقهی عملیات‌ها با نظر برخی فقها پرداخته‌اند. براین‌اساس الگوها به صورت نظری تنها در جهت حذف ربا بوده و به مبانی و اهداف نظام مالی توجه نشده است.
۳. هماهنگی ساختار کنونی الگوهای ارائه‌شده با سازوکار بهره؛ صنعت بانک با بسیاری از بخش‌های اقتصادی جامعه، از قبیل صنعت، تجارت و مانند آن از طریق اعتبارات و تسهیلات به‌مثابه وکیل امین سرمایه‌گذار مرتبط است. مسلماً بانک تخصص و اطلاع کافی از میزان و فرایند سود در بخش‌های گوناگون اقتصادی ندارد. از این‌رو، این نوع پرداخت اعتبار، جز براساس سازوکار بهره امکان ندارد و تنها با به‌کارگیری عنصر «بهره» می‌توان بدون اطلاع واقعی از وضعیت شغلی تقاضاکنندگان اعتبار، تسهیلات در اختیار آنها گذاشت.

۴. بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و سازوکارهای اجرایی عقود در مبانی نظری؛ از لحاظ مبانی نظری این دیدگاه‌ها هنوز به دنبال حفظ ساختار بانک با تغییرات ربنایی در عملیات و به‌کارگیری عقود جدید شرعی هستند. هرچند به صورت نظری برخی عقود به‌مثابه یک ابزار، قابلیت طراحی دارد، ولی در مرحله عمل به سبب عدم تحمل ریسک توسط بانک دچار مشکل می‌گردد. برای کنترل یا فرار از ریسک، طراحان از شروط ضمن عقد - در بیشتر موارد

صلح - به صورت گسترده استفاده نموده‌اند. این امر عقود را از هدف اصلی (فعالیت در بازار واقعی) منحرف کرده و به ابزاری بدون ریسک - مشابه قرض ربوی - در بازار پول تبدیل نموده است.

۵. نبود اطمینان به حل مشکلات عملی در نظام بانکی کشور؛ هرچند هر دو طرح درصدد حل مشکلات عملی بوده، اما تضمین کافی برای حل مشکلاتی همچون دور شدن از بازارهای حقیقی و صوری شدن معاملات، حل مشکل نقدینگی، تناسب شعب بانکی با حجم اقتصاد و مانند آن را ندارند.

در مجموع، این الگوها ادامه روند بانکداری بدون ربا با برخی اصلاحات روبنایی در جهت تحقق نظام مالی سرمایه‌داری با ظاهر شرعی بوده که نتیجه‌ای جز نابسامانی‌های اقتصادی و بازگشت به نظام ربوی بانکداری متعارف ندارد.

به بیان دیگر، اولین ایراد این دست پژوهش‌ها ایراد روشی است؛ زیرا پژوهش به دنبال نظریه دینی و کشف احکام اقتصادی اسلام نیست و تنها به دنبال هماهنگ‌سازی شریعت، تطبیق و توجیه احکام اقتصادی متعارف با فقه با اقتصاد متعارف است.

اشکال دیگر این تحقیقات در تفاوت مبانی نظام سرمایه‌داری با اسلام است؛ زیرا اگر قابل باشیم اقتصاد متعارف و قضایای اثباتی آن نسبت به ارزش‌ها خنثا نیست، در نتیجه این نظریه تقویت می‌شود. با توجه به فلسفه انسان‌گرایی (اومانستی) و نفع شخصی حاکم بر جامعه سرمایه‌داری و تقابل آن با مبانی اسلامی مبتنی بر خدامحوری، دیگر جایگاهی برای نهادها، ساختارها، ابزارها و راهبردهای برگرفته از آن نظام فکری در دین اسلام وجود ندارد.

ایراد هدفی^۵ اشکال دیگر این روش است. نظام اقتصادی مجموعه‌ای مرکب از اجزای منظم در جهت رسیدن به اهداف مشترک است. حال اگر هدف متفاوت گردد مسلماً تمام اجزای تأمین‌کننده آن هدف متفاوت می‌شود. برای مثال، اگر هدف اقتصادی رسیدن به شرایط تعادل پرتوی و رفاه از طریق حداکثر کردن لذت فردی و سود در الگوهای مطلوبیت و بازار رقابتی در اقتصاد باشد، دیگر جایگاهی برای قواعد توزیعی اسلام و حتی احکام ممنوعیت بهره پول و ربا وجود ندارد.

چهارمین ایراد اساسی به این دسته پژوهش‌ها در حوزه اقتصاد اسلامی به صورت اعم و مالی اسلامی به صورت اخص، اشکال راهبردی (رفتاری، انگیزشی، ساختاری) است. در اصل، نظام رفتاری جامعه مسلمان با وجود تفاوت ایمان و نظام انگیزشی آن، همچنین ساختارها با جامعه سکولار متفاوت بوده و راهبردهای نظام سرمایه‌داری به‌منظور پیشبرد نظام اسلامی به سمت اهداف عالی، همخوانی ندارد.

نتیجه‌گیری

بانک و بانکداری متعارف براساس چهار رکن «بازار پول»، «مبادله پول به‌عنوان کالا»، «داد و ستد پول توسط عقد قرض» و «قیمت این داد و ستد به‌مثابه بهره» پایه‌ریزی گردیده است. همه این ارکان علاوه بر مشکل ربا، با ماهیت

اعتباری پول در تقابل است. اندیشمندان مسلمان نیز کمتر توجهی به تمایز بین دو بخش بازار مالی متعارف (بازار پول و سرمایه)، همچنین ماهیت بانک و ارکان آن (پول و ماهیت غیرکالایی پول، بازار پول و تمایز آن از بازار سرمایه، واسطه‌گری مالی بانک در بازار پول و تعهدات کوتاه‌مدت) کرده‌اند و مشکل بانک را تنها در ربا خلاصه نموده‌اند.

از این رو، - هرچند در طراحی - به صورت ناخواه از بازار پول ربوی فاصله گرفته و بدون توجه به ماهیت نهادی بانک، آن را در هیأت یک تاجر یا شریک درآورده‌اند. از این رو، فعالیت بانکداری بدون ربا را در قالب عقود مبادلاتی و مشارکتی در دو بازار حقیقی مصرف و سرمایه طرح‌ریزی کردند. از سوی دیگر، بی‌توجهی به شرایط ساختار بانک و ماهیت عقود اسلامی، عقود به‌کارگیری شده در بانک از ماهیت اصلی (فعالیت در بازار واقعی) منحرف شده و به ابزاری بدون ریسک - مشابه قرض ربوی - در بازار پول تبدیل گردیده است.

هرچند بانکداری بدون ربا در نظر، با تکیه بر عقود مشارکتی و مبادله‌ای به سمت بازارهای حقیقی (مصرف و سرمایه) جهت‌دهی شد، اما در عمل به علت مشکل نهادی و نبود ساختار مناسب، مشکلات فراوانی را در اقتصاد، همچون حجم بالای نقدینگی همراه با رکود اقتصادی و رشد مطالبات معوق به وجود آورده است.

از سوی دیگر، مطالعات و پیشنهادات در خصوص اصلاح مشکلات بانکی در اقتصاد ایران در جهت پذیرش نهاد بانک، با برخی تغییرات رובنایی همچون تمرکز بر الگوی مشارکتی و تخصصی نمودن بانک‌ها بوده که راهی جز بازگشت به نظام ربوی ندارد. از این رو، طراحی نظام مالی بومی اسلامی با توجه به ماهیت، مبانی و اهداف آن ضروری به نظر می‌رسد.

نظام مالی اسلامی، مجموعه‌ای از اجزاء، روابط و اهدافی است که براساس مبانی اسلامی، سازوکار تأمین و تخصیص منابع مالی را به صورت بهینه ارائه می‌دهد. سؤال اساسی در طراحی این بود که آیا گونه‌ای از واسطه‌گری مالی مابین بانکداری ربوی وجود دارد که هماهنگ با قواعد و احکام شرع، اهداف نظام مالی اسلام را محقق سازد؟ گام اول در طراحی نظام مالی اسلامی شناخت مبانی و اهداف آن است.

برخی از مبانی نظام مالی اسلام عبارت است از: اصل «حفاظت از دین، اصل نظام مالی در خدمت نظام تعلیم و تربیت اسلام»، اصل «حفظ ارزش‌های اخلاقی لازم برای یک زندگی اجتماعی امن»، اصل «تقدم حقوق اجتماعی بر فردی»، اصل «رعایت حدود شرعی در کسب سود در نظام مالی»، اصل «آزادی نظام مالی حلال»، اصل «شفافیت نظام مالی و نظارت همگانی»، و اصل «تبعیت اسناد اعتباری مانند پول از بازارهای حقیقی».

اهدافی همچون عدالت اجتماعی - اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت، گسترش رفاه اقتصادی، همکاری دوجانبه و مسئولیت مشترک، ثبات در ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها، تولید پس‌انداز کافی و تحرک تولیدی و ارائه مؤثر از تمام خدماتی که معمولاً از یک نظام مالی انتظار می‌رود، از جمله اهداف نظام مالی اسلامی است که قطعاً با توجه به ماهیت نهاد بانک تجاری ربوی و در چارچوب بازار پول - حتی قالب بانک قرض‌الحسنه - قابل حصول نیست.

منابع

- ابوزهره، محمد، ۲۰۰۸م، *بحوث فی الربا*، بیروت، دار الفکر العربی.
- بدوی، ابراهیم زکی‌الدین، ۱۳۸۳ق، *نظریه الربا المحرم*، قاهره، المجلس العلی لرعاية الفنون و الآداب و العلوم الاجتماعیه.
- بیادآباد، بیژن و محمد صفایی‌پور، ۱۳۹۰، «اجزای سیستم یکپارچه بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین»، در: *اولین همایش بانکداری الکترونیک و نظام‌های پرداخت*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
- حراملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی، ۱۳۹۵، «ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۱۶، ص ۱۹۸-۱۷۳.
- داودی، پرویز و حسین صمصامی، ۱۳۸۹ق، *به سوی حذف ربا از نظریه تا عمل*، تهران، دانایی توانایی.
- ، ۱۳۸۹ق، *اقتصاد پول و بانکداری*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- و محمود عیسوی، ۱۳۸۹، «بحران‌های اقتصادی و راه‌حل اقتصاد اسلامی»، *اقتصاد*، ش ۱، ص ۱۰۷-۱۳۰.
- و همکاران، ۱۳۸۷، *پول در اقتصاد اسلامی*، چ سوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رجایی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۹۱، «توازن یا عدم تداول ثروت در دست اغنیا»، *معرفت اقتصادی*، سال چهارم، ش ۱، ص ۲۳-۴۶.
- رشیدرضا، محمد، ۱۴۰۶ق، *الربا و المعاملات فی الاسلام*، بیروت، دار ابن‌زیدون.
- ، بی‌تا، *تفسیر المنار*، چ دوم، بیروت، دارالمعرفه للطباعة والنشر.
- رفیع‌خان، شاهرخ، ۱۳۷۰، *تحلیل اقتصادی از یک الگوی مشارکت در سود و زیان برای بخش مالی: مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی*، ترجمه محمد ضیائی بیگدلی، تهران، مؤسسه بانکداری ایران.
- رفیعی آتانی، عطاءالله، ۱۳۹۰، «ماهیت پیشرفت اسلامی»، در: *اولین نشست تخصصی ماهیت اسلامی پیشرفت*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صانعی، یوسف، ۱۳۸۳، *فقه و زندگی ۱: ربای تولیدی*، قم، مبین تمار.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۰۱ق، *البنک الاربوی*، چ هفتم، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ، ۱۴۱۷ق، *اقتصادنا*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ، ۱۴۲۱ق، *دروس فی علم الاصول حلقه ثانیه*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه لشهید الصدر.
- ، ۱۴۲۹ق، *الاسلام یقود الحیة، المدرسه الاسلامیه رسالتنا*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه لشهید الصدر.
- صدیقی، محمد نجاةالله، ۱۹۸۵، *النظام المصرفی الاربوی*، ترجمه احمد سلامه عابدین، جده، المجلس العلمی بجامعة الملك عبدالعزیز.
- عبیدالله، محمد، ۱۳۸۷، *مهندسی مالی اسلامی*، ترجمه مسلم بمان‌پور و سجاد سیف‌پور، تهران، دانشگاه امام صادق و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- علی‌شاهی قلعه‌جویی، ابوالفضل و سیده‌سعیده لطیفی، ۱۳۹۲، «بررسی نظریه و دیبعه‌گذاری مالیت در سپرده‌های بانکی»، *دانش حقوق مدنی*، ش ۱، ص ۳۸-۲۷.
- غنی‌نژاد، موسی، ۱۳۷۵، «تفاوت ربا و بهره بانکی»، در: *مجموعه مقالات ششمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی*، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- فرانکفورت، جورج ام و مک‌گون، التون جورج، ۱۳۹۱، *روش‌شناسی تأمین مالی به سوی تأمین مالی معنادار*، محمد طالبی، تهران، دانشگاه امام صادق.
- فرهنگ، منوچهر، ۱۳۷۱، *فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی*، تهران، البرز.
- قری، محمدعلی، ۱۹۹۸، «البنک الاسلامی آتاجر هو ام وسیط المالی؟»، *جامعه‌الملك عبدالعزیز: الاقتصاد الاسلامی*، ش ۱۰، ص ۶۹-۷۶.
- کاشانی، سیدمحمود، ۱۳۷۶، «بررسی حقوقی چهارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا»، در: *مجموعه مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی*، تهران، مؤسسه بانکداری ایران.

- مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، *قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مجلس شورای اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- محدث نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البیت.
- محسنی زنوی، سیدجمال‌الدین و زهرا جلیلی، ۱۳۹۵، «مشکلات بانکداری اسلامی در ایران با نگاهی به تجربه مالزی»، *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ش ۱۷، ص ۵۸-۳۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۰، *فلسفه اخلاق*، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل.
- مصری، رفیق یونس، ۱۹۹۸، «ماهیت المصرف الاسلامی»، *الاقتصاد الاسلامی*، ش ۱۰، ص ۶۷-۶۱.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۶، «مسائل مستحدثه زکات (مصاحبه)»، *فقه اهل بیت*، ش ۱۰، ص ۲۶-۳.
- _____، ۱۳۷۹، «مبانی حرام بودن ربا و مسأله بانک»، *فقه*، ش ۲۶ و ۲۵، ص ۴۹-۳۱.
- موسویان، سیدعباس، ۱۳۷۸، «بررسی فقهی - اقتصادی سپرده های انتقال پذیر در بانکداری بدون ربا»، *فقه اهل بیت*، ش ۱۷، ص ۱۷۶-۲۰۶.
- _____، ۱۳۸۹، «طراحی مدل عملیاتی بانکداری اسلامی؛ سازگار با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، *علوم انسانی اسلامی*، ش ۱۰، ص ۲۳۹-۲۵۲.
- _____، ۱۳۹۱، «نظریه پردازی در بانکداری بدون ربا»، *علوم انسانی اسلامی*، ش ۲، ص ۵۹-۶۴.
- موسویان، سیدعباس و حسین میسمی، ۱۳۹۴، *بانکداری اسلامی مبانی نظری - تجارب عملی*، تهران، پژوهشکده پولی و مالی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- موسویان، سیدعباس و محمد رجایی، ۱۳۹۴، «بررسی چالش‌ها و راهکارهای نظام بانکداری اسلامی»، در: *نشست سیستم بانکداری، چالش‌ها و راهکارها*، قم، انجمن اقتصاد اسلامی.
- نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴ق، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، چ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۷، «مصالح فرد و جامعه در اقتصاد»، *اقتصاد اسلامی*، سال هشتم، ش ۲۹، ص ۸۱-۱۱۰.
- Ahmad, S, 1992, *Towards interest-free banking*, New Delhi,. International Islamic Publishers.
- Baljeet, Kaur Grewal, 2018, *Islamic Finance in Europe*, European Central Bank.
- Beng, Soon & Chong, Ming-Hua Liu, 2009, "Islamic banking: Interest-free or interest-based?", *Pacific-Basin Finance Journal*, N. 17, p 125-144.
- Chapra, M. Umer, 1982, *Money and Banking in an Islamic Economy*, Published in M. Ariff, Monetary and Fiscal Economics of Islam, Jeddah: International Centre for Research in Islamic Economics.
- , 2007, *Challenges Facing the Islamic Financial Industry*, Handbook of Islamic Banking.
- De Albuquerque, Martin, 1855, *Notes and Queries*, George Bell, London.
- Mcleay, M, Radia, A, & Thomas, R, 2014, *Money creation in the modern, Economy*, Bank of England Quarterly Bulletin, Q1.
- Morrison AD, Wilhelm WJ, 2007, "Investment Banking: Past, Present, and Future", *Corporate Finance*, V. 19, N. 1, p. 8-20.
- Rothbard, Murray N, 2008, *The Mystery of Banking*, SECOND EDITION, Ludwig von Mises Institute, United States.
- Samuelson, P, 1973, *Economics*, New York, McGraw-Hill.
- Stephen A, Ross, 2008, *Finance, The New Palgrave Dictionary of Economics*, voium3, second edition by Steven N, Durlauf & Lawrence E. Blume, US, Palgrave Macmilan.